

**How the Descendants of the Prophet Adam (A.S.) were Reproduced
According to the Qur'an and Narrations with an Emphasis on the Viewpoint
of Ayatollah Javadi Amoli**

Mahdi Shafayani¹
Bashir Salimi²
Mostafa Shafayani³

Abstract

How the descendants of man were reproduced is one of the fundamental, philosophical and theological issues that the Holy Qur'an has briefly addressed. In order to deal with this issue, the present research examines and analyzes the verses of the Qur'an and the hadiths using the principles and rules of interpretation, and also examines the narrations regarding this issue using the rules of hadith appreciation (*fiqh al-hadith*) and the viewpoints of Ayatollah Javadi Amoli. The most evident verse regarding this issue is the first verse of Sūrat al-Nisā, ﴿O mankind! Be wary of your Lord, who created you from a single soul, and created its mate from it, and from the two of them scattered numerous men and women...﴾. From the apparent meaning of the verse and the phrase *minhumā* (from them) it is implied that the reproduction of the human race refers to Adam and Eve (peace be upon them), and that all humans on earth are the fruits of their marriage. It goes without saying that other viewpoints have been put forward in response to this issue, which will be dealt with and evaluated in this article with the use of a library method.

Keywords: reproduction of progeny, Adam (A.S.), Eve, Abel, Cain, houri, jinn.

1. Faculty member, Islamic Studies Department, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran.
(Corresponding author) shafayani@uk.ac.ir

2. Ph.D. in Qur'an and Hadith Sciences, Lecturer in the Department of Islamic Studies, Tehran University of Arts, Iran. salimibashir@yahoo.com

3. Faculty member of the Islamic Studies Department, Islamic Azad University of Mashhad, Iran.
shafayani@mail.um.ac.ir

چگونگی تکثیر نسل حضرت آدم علیه السلام در قرآن و روایات با تأکید بر دیدگاه آیت الله جوادی آملی*

مهدی شفیانی^۱

بشیر سلیمی^۲

مصطفی شفیانی^۳

چکیده

چگونگی تکثیر نسل انسان از مسائل اساسی و بنیادی فلسفه و کلام است که در قرآن کریم به اجمال به آن توجه شده است. نویسندگان این جستار در پی پاسخ به این مسئله، آیات قرآن و احادیث را با استفاده از اصول و قواعد تفسیری مورد مطالعه و پژوهش قرار می دهند و همچنین روایات ناظر به این مسئله را با استفاده از قواعد فقه الحدیثی و نظر آیت الله جوادی آملی بررسی می کند. صریح ترین آیه ناظر به این مسئله، آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ (نساء/۱) است. نتایج برداشت از ظاهر آیه (منهما) نشان می دهد تکثیر نسل انسان به حضرت آدم و حضرت حوا علیها السلام بازمی گردد و همه انسان های روی زمین، ثمره ازدواج ایشان هستند. ناگفته نماند دیدگاه های دیگری در پاسخ به این مسئله مطرح شده است که در این مقاله به روش کتابخانه ای آنها را طرح و بررسی خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: تکثیر نسل، آدم علیه السلام، حوا، هابیل، قابیل، حوری، جن.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۱/۷.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2025.70588.4142

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران. (نویسنده مسئول)
shafayani@uk.ac.ir (ORCID: 0009-0009-4393-9329)
۲. دکترای علوم قرآن و حدیث، مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه هنر تهران، ایران.
salimibashir@yahoo.com
۳. عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ایران. shafayani@mail.um.ac.ir

بیان مسئله

چگونگی تکثیر نسل انسان یکی از مسائل چالشی و پراختلاف در جوامع علمی و غیرعلمی است که فرضیه‌ها و گمانه‌زنی‌های متفاوتی را به وجود آورده است. قرآن به‌عنوان آخرین کتاب زندگی با جامعیتی فراگیر، از این موضوع نیز سخن گفته و چگونگی تکثیر نسل انسان را تبیین کرده است. نظر به تواتر و قطعی‌الصدور بودن این کتاب، می‌کوشیم مسئله «چگونگی تکثیر نسل انسان» از دیدگاه قرآن را بررسی کنیم و پاسخی قابل اعتماد برای آن ارائه کنیم.

اهمیت این مسئله به سبب آن است که یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل فکری و عقیدتی می‌باشد. پس از پیدایش انسان در زمین، نخستین مسئله و دغدغه ذهنی که به‌وجود می‌آید این است که با وجود برگشت نسل بشریت به یک زوج، چگونه این نسل، تکثیر و افزایش یافته‌اند و نخستین تکثیر آنها بر پایه کدام ازدواج شکل گرفته است؟ آیا با وجود نبود خانواده‌ای دیگر در زمین، امکان تکثیر نسل بشری به‌صورت معمول و رایج وجود داشته است؟ آیا خداوند متعال جهت تکثیر نسل بیشتر، انسان و خانواده‌ای دیگر غیر از خانواده حضرت آدم و حوا آفریده است و یا از موجودات غیر بشری چون جنیان و حوریان، افرادی با فرزندان حضرت آدم و حوا ازدواج کرده‌اند تا مسیر تکثیر نسل انسان را هموار کنند؟ برخی اشکال کرده‌اند که ازدواج محارم با یکدیگر حرام است و در این صورت، تمام انسان‌ها زنازاده هستند؛ در حالی که از این نسل، انبیا و ائمه علیهم‌السلام (فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة) ظهور کرده‌اند و سلسله عصمت از آدم علیه‌السلام تا اهل بیت علیهم‌السلام دودمانی پاک بوده است «ذریه بعضها من بعض».

همان‌گونه که پیداست، این اشکال بر این فرض استوار است که احکام کنونی ازدواج از همان اول خلقت انسان برقرار بوده است؛ حال آن که احکام شرعی به خداوند متعال باز می‌گردد و اوست که احکام را تشریح می‌کند.

پیش از این، با وجود تلاش‌های بسیار ضمنی، مقاله‌ای مستقل درباره چگونگی تکثیر نسل انسان نگاشته نشده است. در واقع در این باره تنها چندین پرسمان کوتاه و غیر جامع و برخی گفتگوهای مجازی انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «استمرار نسل بشر چگونه بوده و فرزندان حضرت آدم علیه‌السلام با چه کسانی ازدواج کردند؟» (<https://www.islamquest.net>)

(<https://hawzah.net>:www.sheshkhan.ir:<https://www.porseman.com>:net



در این آثار، می‌توان دیدگاه‌های گوناگونی دربارهٔ چگونگی تکثیر نسل بشر یافت، اما این دیدگاه‌ها به صورت کامل و دقیق ارزیابی و بررسی نشده‌اند.

۱. دیدگاه‌های گوناگون ناظر به چگونگی تکثیر نسل انسان

منابع تفسیری دربارهٔ چگونگی تکثیر نسل انسان، دیدگاه‌های گوناگونی را مطرح کرده‌اند که در ادامه مشهورترین آنها بررسی می‌شود.

۱-۱. ازدواج انسان با حوری بهشتی

در برخی از منابع تفسیری گزارش شده است که تکثیر نسل انسان به وسیلهٔ ازدواج فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) با حوریان بهشتی محقق شده است. در این گزارش آمده است که خداوند برای فرزندان آدم، حوریانی از بهشت فرستاد تا با آنان ازدواج کنند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۲۰) این دیدگاه گاه با مستندات روایی تأیید و اثبات می‌شود و گاه با دلیل سلبی و ابطال دیگر دیدگاه‌ها، جایگاه خود را استوار می‌سازد.

در تأیید این دیدگاه روایاتی رسیده است که گویاترین آنها به شرح ذیل است:

«عن برید بن معاویه العجلی عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: ان الله انزل حوراء من الجنة الی آدم فزوجها احد ابنيه ... فما كان من الناس من جمال و حسن خلق فهو من الحوراء ... وانكر ان يكون زوج بنیه من بناته» (صدوق، ۱۴۱۶ «ب»، ج ۱، ث ۱۲۷) و صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۲) و نیز همین مضمون در علل الشرایع آمده است (صدوق، ۱۴۱۶ «ب»، ج ۱، ص ۳۰-۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۶-۲۲۸)

بررسی متن این روایت نشان می‌دهد که امام جهت اثبات نظر خود، بیش از آن که به استدلال پردازند، به تخریب و انکار دیدگاه مقابل مبنی بر تکثیر نسل انسان از انسان می‌پردازند. استدلال سلبی و تخریبی امام از دستهٔ استدلال‌های ضعیف و درجه دوم است که نشان‌دهندهٔ ضعف متن می‌باشد و انتساب آن به امام را دشوار می‌سازد. گذشته از این، دیدگاه یادشده خلاف ظاهر آیه است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱) زیرا ظاهر آیه بر تکثیر نسل انسان از فرزندان دو



انسان دلالت دارد. همچنین باید گفت که ازدواج انسان با حوری بهشتی و تکثیر نسل انسان از این نوع ازدواج، امری است که در حد خود بعید است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)؛ زیرا انسان، موجودی مادی، مرکب و متشکل از جسم و روح است و جنس حوریان بهشتی با جنس انسان متفاوت می‌باشد. اما آن چه ضعف این دسته از روایات را بیشتر روشن می‌سازد، این است که این روایات با این توجیه، تنها ازدواج پسران حضرت آدم و حوا را تبیین کرده‌اند و به چگونگی ازدواج دختران آدم اشاره ای ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱) یک جانبه‌نگری حدیث نسبت به مسئله یادشده نشان می‌دهد که این احادیث احتمالاً از سوی افرادی غیر از معصومان (علیهم‌السلام) صادر شده‌اند یا این که امام (علیه‌السلام) در مقام بیان مطلب و پیام دیگری هستند. همچنین روایاتی از این دست، مخالف ظاهر گزاره‌های قرآن ﴿مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ و ﴿بَثَّ مِنْهُمَا﴾ هستند؛ زیرا فرزندان طبقه سوم یا از دو نفس خواهند بود (انسان و حوری یا انسان و جن) یا از سه نفس (انسان و حوری و جن) و قهراً رجال کثیر و نساء کثیر نیز نمی‌توانند تنها از آدم و حوا باشند، بلکه از آنها و غیر آنان خواهند بود. بنابراین در این حالت باید گفته شود: «بَثَّ مِنْهُمَا وَغَيْرِهِمَا» در حالی که می‌فرماید: «بَثَّ مِنْهُمَا» و توجیه این تعبیر به تغلیب و مانند آن نیز تنها زمانی پذیرفته است که دلیل عقلی قطعی یا نقلی معتبری بر احتمال یادشده وجود داشته باشد. افزون‌بر آن، صدر آیه نیز خطاب به مردم است، نه مردم و حوریان و جنیان: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾. بنابراین در صورت حل نشدن تعارض روایات با یکدیگر، قرآن کریم، مرجع است و قرآن در این معنا ظهور دارد که جز آدم و حوا و فرزندان آنها موجودی دیگر در تکثیر نسل بشر کنونی دخیل نبوده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

برخی از محدثان شیعه چون مجلسی اول جهت جمع همه روایات قائل شده‌اند که اگرچه انسان‌های عادی، از ازدواج خواهر و برادری به وجود آمده‌اند، ولی انبیا، مرسلین و اصفیا، محصول ازدواج انسان با حوریان بهشتی هستند. (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۸، ص ۷۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱).

در ارزیابی این نگاه باید گفت که جمع مجلسی اول میان روایات اگرچه منجر به پذیرش و توجیه همه آنها می‌شود، ولی این راه حل، شاهد حدیثی قابل توجیهی ندارد و با شیوه فنی نیز

چندان موافق نیست، بلکه به جمع تبرعی شبیه‌تر است. (مجلسی، ۱۳۹۶، ج ۸، ص ۷۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

۱-۲. ازدواج انسان با جن

از دیگر دیدگاه‌های مطرح دربارهٔ چگونگی تکثیر نسل انسان، این است که فرزندان حضرت آدم و حوا با موجوداتی جنی ازدواج کردند و از این طریق، نسل انسان تکثیر یافت. مهمترین مستندات این دیدگاه به شرح ذیل هستند.

۱-۲-۱. روایات

این دیدگاه نیز چون دیدگاه پیشین، به روایاتی استناد می‌کند که مهمترین آنها روایت ذیل است:

«عن برید بن معاویه العجلی عن ابی جعفر علیه السلام قال: ان الله انزل حوراء من الجنة الى آدم فزوجها احد ابنيه و تزوج الاخر الى الجن فولدتا جميعا. ... و ما كان فيهم من سوء الخلق فمن بنت العجان و انكر ان يكون زوج بنیه من بناته.» (صدوق، ۱۴۱۶ «ب»، ج ۱، ص ۱۲۷؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۲) و همچنین همین مضمون در علل الشرایع آمده است (صدوق، ۱۴۱۶ «ب»، ج ۱، ص ۳۰-۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۲۶-۲۲۸)

همان گونه که در ارزیابی دیدگاه قبل گذشت، این روایت نمی‌تواند صحت و اعتبار دیدگاه یادشده را تأمین کند؛ زیرا با دلایل و مدارک قوی‌تری چون ظاهر قرآن^۱ متعارض است. از این گذشته، بی‌توجهی حدیث نسبت به چگونگی ازدواج فرزندان حضرت آدم و حوا علیهم السلام از

۱. روایات از این دست، مخالف ظاهر (من نفس واحده) و (بث منهما) هستند. زیرا فرزندان طبقه سوم یا از دو نفس خواهند بود (انسان و حوری یا انسان و جن) یا از سه نفس (انسان و حوری و جن)، و قهراً رجال کثیر و نساء کثیر نیز نمی‌توانند تنها از آدم و حوا باشند، بلکه از آنها و غیر آنان خواهند بود و در این حال باید گفته شود: (بث منهما و غیرهما) در حالی که فرمود: (بث منهما) و توجیه این تعبیر به تغلیب و مانند آن نیز تنها در صورتی پذیرفته است که دلیل عقلی قطعی یا نقلی معتبری بر احتمال یاد شده وجود داشته باشد. افزون بر آن که در صدر آیه نیز خطاب به مردم است، نه مردم و حوریان و جنیان (یا ایها الناس). بنابراین در صورت حل نشدن تعارض روایات با یکدیگر، قرآن کریم مرجع است و قرآن ظهور دارد که جز آدم و حوا و فرزندان آنها موجودی دیگر در تکثیر نسل بشر کنونی دخیل نبوده است. (جوادی آملی، ج ۱۷، ص ۱۹۱)



یک‌سونگری حدیث خبر می‌دهد که با وصف جامع‌نگری امام علیه السلام و توجه ایشان به همه ابعاد و جوانب قضیه، ناسازگار است.

اما برخی از محدثان متأخر شیعه مانند فیض کاشانی و به تبعیت از او میرزا محمد مشهدی با استدلال به این که روایات ازدواج خواهر و برادر، موافق روایات عامه است، این روایات را کنار می‌گذارند و ناگزیر به روایات دال بر ازدواج با حوری یا جن متمایل می‌شوند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۸۷؛ مشهدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۴۳).

همان‌گونه که پیداست دیدگاه یادشده، هویت و موجودیت خود را چنین اثبات می‌کند که چون روایات عامه، ازدواج خواهر و برادر را پذیرفته‌اند، شیعه این روایات مقبول عامه را باطل برمی‌شمارد و روایات رقیب آن را به‌عنوان روایات معتمد می‌پذیرد. این استدلال، گذشته از سخیف بودن و ضعف درونی، با اصل وجود تقیه نیز ناسازگار است؛ زیرا گوینده اصلی برخی از این احادیث، امام رضا علیه السلام هستند که اصل وجود تقیه در سخنان ایشان محتمل است، اگرچه حمل آنان بر تقیه آسان نیست. اما تقیه‌ای دانستن روایات ازدواج خواهر و برادر مانند فتوهای رایج چون مسح سر و پا نیست که ثمره عملی داشته باشد، بلکه تنها یک مسئله علمی محض بدون فایده علمی است. این مسئله مورد اختلاف صاحب‌نظران مذهبی نیست، بلکه تنها در برداشت تفسیری مطرح است و در برداشت‌های تفسیری، طرح مسئله تقیه، صائب به نظر نمی‌رسد. از این گذشته، در روایات دال بر ازدواج انسان با جن، نوعی استبعاد وجود دارد و همین استبعاد ظهور این‌گونه روایات را تضعیف می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

آنچه بیش از همه ضعف و سخافت این دیدگاه را نشان می‌دهد، این است که اگر پای جنی در میان است، پدر و مادر این جنیان کجا هستند و از ازدواج انسان و جن، هیچ‌گاه انسان متولد نمی‌شود. (نقی پورفر، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

۱-۳. ازدواج انسان با انسان

نام‌دارترین دیدگاه در زمینه چگونگی تکثیر نسل انسان، نظریه ازدواج انسان با انسان است که مراد از انسان، ازدواج فرزندان حضرت آدم با یکدیگر است. در این دیدگاه، هابیل با همزاد قابیل

به نام لوزا و قابیل با همزاد هاییل به نام اقلیما ازدواج می‌کند (Schwartz, 2006, p:599). مدارک و دلایل گوناگونی این دیدگاه را اثبات و تأیید می‌کند که مهمترین آنها به شرح ذیل هستند:

۱-۳-۱. دلایل قرآنی

مهم‌ترین و محکم‌ترین دلایل بر اثبات و تأیید این دیدگاه، دلایلی است که از کتاب قطعی النزول قرآن برگرفته شده است. در ادامه برخی از این دلایل را بیان می‌کنیم.

۱. خطاب «یا ایها الناس» در آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً...﴾ (نساء/۱)

چنان که گفتیم این آیه صریح‌ترین آیه‌ای است که چگونگی تکثیر نسل انسان را تبیین می‌کند. این که آیه با خطاب «یا ایها الناس» آغاز می‌شود، نشان‌دهنده دلالت مطلق و عام آیه است و احکام موردتوجه در آیه را به‌صورت عمومی و مطلق بیان می‌کند. بسیاری از این مفسران در اثبات دیدگاه یادشده، با استناد به این دلیل، پیدایش همه انسان‌ها از یک پدر و مادر را مطلبی عمومی و جهانی دانسته‌اند؛ از این رو آیه با خطاب «یا ایها الناس» شروع شده است نه با «یا ایها الذین آمنوا». (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۱-۱۱۸)

بنابراین بر اساس ظاهر آیه، نسل کنونی بشر به دو انسان می‌رسد؛ حضرت آدم (علیه السلام) که نامش آشکارا در قرآن آمده است و همسرش حوا که نامش تنها در روایات یاد شده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۱۷/۱۱۷)

۲. تعبیر «بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» در آیه یادشده

ضمیر «منهما» در تعبیر یادشده، قید مطلق است که تکثیر نسل بشریت را به دو انسان بازمی‌گرداند که اختلافی در مشخصات آنها وجود ندارد. برخی از مفسران با استفاده از همین تعبیر نتیجه گرفته‌اند که در این تکثیر، هیچ موجود دیگری جز حضرت آدم (علیه السلام) و حوا (علیها السلام) شریک نبوده است؛ زیرا در این صورت لازم بود که تعبیر «من غیرهما» نیز می‌آمد. در نتیجه، همه مردان و زنان بشر بدون واسطه یا با واسطه به حضرت آدم (علیه السلام) و حوا (علیها السلام) بازمی‌گردند. نکته دوم این است که نخستین ازدواج فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) و حوا میان برادران و خواهرانی اتفاق افتاد



که فرزندان آن دو بوده‌اند؛ زیرا در آن زمان، هیچ برادر و خواهری غیر از فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) و حوا علیها السلام وجود نداشته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۳۷)

این راه حل هم خلاف ظاهر کمتری دارد و هم مطابق با ظاهر آیه است که پیدایش نسل بشر را از یک حقیقت و از نسل حضرت آدم و حوا می‌داند نه از آنان و غیر آنان (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۲۰۵). این دیدگاه با وجود قوت علمی، مورد اعتراضات و اشکالاتی واقع شده است که پاسخ‌گویی به آنها موجب بیش‌ازپیش آن می‌شود. در ادامه به برخی از این اعتراضات و اشکالات خواهیم پرداخت.

الف) ناسازگاری ازدواج خواهر و برادر با فطرت: برخی ازدواج خواهر و برادر را ازدواجی مخالف با فطرت انسان دانسته‌اند و عمل ناسازگار با فطرت را مستوجب حرمت شمرده‌اند. در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت معنای فطری بودن دین این است که اصول کلی اعتقادات، اخلاقیات، حقوق و نیز خطوط کلی فروع فقهی دین، مطابق فطرت و ثابت است. هم فطرت انسان‌ها تغییر نمی‌کند: ﴿فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾ (روم/ ۳۰) و هم دین الهی بدوت تغییر است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (آل عمران/ ۱۹)، از این رو هر پیامبری در خطوط کلی یادشده، پیامبران پیشین را تصدیق می‌کند: ﴿مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ﴾ (آل عمران/ ۳). اما خطوط و فروع جزئی در هر عصر و نسلی متغیر است: ﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شَرْعَةً وَمِنْهَا جَا﴾ (مانده/ ۴۸).

از این رو گاه قرآن کریم چیزی را که در شریعت قبلی حلال بوده است، برای شریعت بعدی حرام می‌کند یا به عکس حرامی را حلال اعلام می‌کند. مانند آیه ﴿وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَأَلْحَلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾ (آل عمران/ ۵۰).

هم عیسی مسیح را تصدیق‌کننده موسی و تورات معرفی می‌کند و هم این معنا را می‌رساند که مسیح امر جدیدی را همراه دارد و آن حلال شدن برخی چیزهاست که در دین موسی کلیم حرام بوده است، اما خطوط اصلی و کلی هر یک مطابق فطرت است و تنها بعضی از فروع جزئی، نسخ می‌پذیرند نه خطوط کلی دین.

با توجه به موارد گفته‌شده مشخص می‌شود که فطرت انسان با طبیعت او هماهنگی کامل دارد و طبیعت انسان که امری متغیر و مربوط به بدن است، با فطرت توحیدی او که امری ثابت و مرتبط با روح است، در هم آمیخته و واقعیتی به نام انسان را شکل داده‌اند: ﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَأَدَا سَوِيئَتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص/۷۲-۷۱). نتیجه آنکه چون فطرت با طبیعت و طبیعت هم با زمان و مکان مرتبط است، مقتضیات هر زمان اثر خاص خویش را دارد و مجموعه دین که از خطوط کلی و جزئی تشکیل می‌شود، با فطرت مردم هر عصری مطابقت دارد. پس همان‌گونه که دیگر محرمات در زمان حلال بودنشان مطابق فطرت هستند، ازدواج خواهر و برادر هم که اکنون حرام است، در زمان حلیت‌ش، مطابق با فطرت بوده است. مانند زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، که بعضی امور ابتدا حرام نشده بود و پس از نزول تدریجی آیات و بیان احکام، حرام شد و اسلام، هم در آغاز و هم در انجام مطابق با فطرت انسانی بود.

در پاسخ این شبهه به طور خلاصه می‌توان گفت:

احکام دین (حلال‌ها و حرام‌ها)، در زمان حضرت آدم (علیه السلام) به تدریج آمده‌اند، همان‌گونه که در صدر اسلام برخی از امور حلال بودند و به تدریج حرام شدند و اثبات نزول دفعی همه محرمات در همان نخستین لحظه تکلیف حضرت آدم (علیه السلام) و حواء (علیها السلام) آسان نیست.

تدریجی بودن احکام و تغییر آنها با فطرت انسانی هماهنگ است؛ زیرا فطرت با طبیعت، مرتبط است و طبیعت نیز با زمان و مکان و مقتضیات هر زمان اثر خاص خود را دارد، پس خطوط کلی دین با فطرت مردم هر عصری مطابق است و فروع جزئی آن مطابق فطرت، هماهنگ با طبیعت خواهد بود. براین اساس، هیچ منع عقلی و نقلی ندارد که ازدواج خواهر و برادر در آن زمان حلال بوده و سپس حرام شده باشد؛ درحالی‌که در هر دو زمان مطابق فطرت بوده است. در نتیجه، بر اساس ظاهر آیه - با قطع نظر از روایات - خلقت انسان‌ها از آدم (علیه السلام) و حواء (علیها السلام) است و ازدواج فرزندان آدم (علیه السلام) با یکدیگر، براساس شریعت آن زمان، روا بوده است. بنابراین تغییر طبیعت که مرحله نازل فطرت را متأثر می‌کند، گاهی طی چند قرن نه هر سال یا هر قرن حاصل می‌شود. نشان آن آمدن پیامبر جدید با دین تازه است که پس از گذشت چند



قرن مبعوث می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۲۲-۱۳۰)

ب) قبیح بودن ازدواج خواهر و برادر: ازدواج خواهر و برادر (محارم با یکدیگر)، قبیح و زشت است و به زمان و مکانی خاص اختصاص ندارد.

در پاسخ به این اشکال نیز می‌توان گفت که حسن و قبح برخی افعال، ذاتی است که در هر زمان و مکان و با هر زبانی محقق می‌شوند، حکم خود را دارند مانند حسن عدل و قبح ظلم. اما حسن و قبح بعضی افعال، ذاتی نیست، بلکه به جوه و اعتبارات وابسته است. در این افعال، هر چند ممکن است اقتضای حسن یا قبح وجود داشته باشد، ولی هرگز علیت تام برای حسن یا قبح ندارند؛ مانند قتل که اگر ظالمانه باشد، قبیح است و اگر عادلانه و به صورت قصاص یا دفع کافر از حریم اسلامی باشد، حسن خواهد بود و همچنین مانند صدق و کذب.

با توجه به توضیحات یادشده می‌توان گفت:

احکام شرعی به تدریج نازل شده‌اند و در شریعت حضرت آدم (علیه السلام) یا در اوایل نزول شریعت وی، ازدواج خواهر و برادر حرام نبوده است.

حسن و قبح عدل و ظلم، ذاتی است، ولی حسن و قبح هر چیز دیگری با لحاظ شرایط و مقتضیات و خصوصیات زمانی و مکانی آن است.

حسن و قبح شرعی نیز بر اساس مصلحت و مفسده‌ای است که زمان و مکان و اوضاع در آن دخالت دارند، پس ممکن است در شریعت حضرت آدم (علیه السلام) و آن موقعیت زمانی، ازدواج خواهر و برادر حرام نبوده است و واقعاً قبیحی هم نداشته است، چون در آن زمان، سبب تام حرمت و قبح، تحقق نداشته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۲۲-۱۳۰)

برخی از پژوهشگران غربی کوشیده‌اند به این ارسش از طریق ازدواج انسان با انسان پاسخ دهند:

۱. آدم و حوا مربوط به اسطوره‌های قوم اکد هستند. طبعاً این گونه پاسخ دادن پاک کردن صورت مسئله است.

۲. دسته‌ای دیگر از منظر تطابق با علم تکامل تدریجی درصدد پاسخ برآمده‌اند و گفته‌اند که زوج

واحد نسل‌گزینی^۱ اگر پیدایش آدم و حوا تا ۶۰۰۰ سال پیش باشد، پذیرفتنی است، اما اگر این تاریخ به ۱۰۰۰۰ سال یا بیشتر بازگردد با علم تکامل در تضاد است. طبعاً این دیدگاه می‌کوشد تا تفسیری علمی از پدیده دینی ارائه دهد که از حوصله این جستار خارج است، افزون‌براین ه باید این اصل ثابت شود که موضوع تکامل، فرضیه است یا علم قطعی؟ (is evolutionary science in conflict with Adam and eve? p: 1-4)

۳. می‌دانیم که آدم و حوا افزون بر هابیل، قابیل و شیث، فرزندان دیگری نیز داشتند (پیدایش/۴:۵) و اگر تنها یک خانواده اصلی وجود داشته باشد، نخستین ازدواج‌ها باید بین برادران و خواهران انجام شده باشد. چنین ازدواج‌هایی در آغاز مضر نبودند. زناشویی میان نزدیکان خطرناک است؛ زیرا ژن‌های جهش‌یافته‌ای که موجب تولید فرزندان ناقص، بیمار یا عقب‌مانده می‌شوند، احتمال بروز بیشتری دارند. (Ryrie, 1986)

۴. مسلماً آدم و حوا که از دست خلاق خداوند خلق شده بودند، چنین ژن‌های جهش‌یافته‌ای نداشتند، بنابراین ازدواج‌های میان برادران و خواهران یا پسرعموها و دخترعموها یا دیگر خویشاوندان در نسل‌های اول و دوم پس از آدم و حوا خطرناک نبود.

۵. نوه‌های نوح باید با برادران، خواهران یا پسرعموها ازدواج کرده باشند؛ زیرا فرد دیگری وجود نداشت (پطرس/ ۳:۲۰؛ پیدایش/ ۷:۷). ابراهیم علیه السلام با خواهرزاده‌اش ازدواج کرد (پیدایش/ ۲:۲۰، ۱۲)، اسحاق علیه السلام با ربکا، دختر پسرعمویش بتوئل ازدواج کرد (پیدایش/ ۲۴:۱۵، ۶۷) و یعقوب علیه السلام با دخترعموهایش، لیه و راحیل ازدواج کرد. آشکار است که کتاب مقدس تا زمان موسی علیه السلام ازدواج خویشاوندان نزدیک را ممنوع نکرده است.

۱-۴. تکثیر نسل از چند پدر و چند مادر

برخی تکثیر نسل انسان را به چند پدر و چند مادر بازگردانده‌اند. گروهی از این صاحب‌نظران، نسل کنونی بشر را از چهار پدر و مادر می‌دانند و دسته‌ای دیگر پدران و مادران فراوانی را برای بشریت برشمرده‌اند (رشید رضا، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۲۶۳ و ۲۶۴)، بدون آن که مشخصات این



پدران و مادران را بیان کنند. در ارزیابی این دیدگاه، برخی از مفسران گفته‌اند از نظر علمی محال نیست بشر کنونی از چند پدر و مادر پدید آمده باشد، لکن دلیلی وجود ندارد تا به استناد آن، از ظاهر آیات و روایات دست بکشیم. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۱) از سوی دیگر، هیچ یک از این دیدگاه‌ها و آرا از ضروریات دین نیست، بلکه امری نظری است. بنابراین عدم اعتقاد به آن یا باور غیر آن مشکلی به وجود نمی‌آورد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۲)

روشن نمودن مشخصات پدران و مادران چهارگانه یا پدران و مادران فراوان نشان‌دهندهٔ اجمال و بلکه ابهام این دیدگاه است و ضعف و کاستی آن را نشان می‌دهد؛ از این رو برخی از مفسران، آن را دیدگاهی تفریطی خوانده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۲)

ناگفته نماند باورمندان این دیدگاه، به دلایلی چون وجود نژادهای گوناگون انسانی سفید، سیاه، زرد و سرخ استناد کرده‌اند که این چهار نژاد نشان‌دهندهٔ وجود حداقل چهار زوج می‌باشد. برخی از آنها استدلال کرده‌اند وجود مردم بومی آمریکا در سرزمینی که از زمین‌های دیگر بسیار دور است، نشان‌دهندهٔ وجود اجتناب‌ناپذیر پدر و مادری جداگانه برای آنهاست. اما حقیقت آن است که هیچ یک از این شواهد، دلیل و برهان ندارد، بلکه تنها گمانه، احتمال و تخمینی است که با توجه به ظاهر آیات و روایات پذیرفته نمی‌شود و بیشتر از تفسیر علم گرایانه و روشنفکرانه نشأت گرفته است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۲) جدا از این، گمانه‌زنی‌های یادشده با نظریهٔ تکامل تاریخ و نظریهٔ تکامل تدریجی انسان ناسازگار است. در این نظریه، انسان‌ها به‌عنوان عضوی از مجموعهٔ تاریخ در گذر زمان دچار تنوع، رشد و تکامل شده‌اند و تنوع رنگی و پوستی از جمله این تکامل‌هاست که در دوره‌های بعدی بر انسان عارض شده است و این عوارض ظاهری و رنگی مستلزم وجود پدر و مادر مستقل نیست. فراتر از آن، این عوارض امروزه در پزشکی، قابل برنامه‌ریزی است و علوم بشری می‌تواند فرزندی با رنگ پوست متفاوت از رنگ پوست والدینش به دنیا بیاورد.

برخی بر این دیدگاه اشکال گرفته‌اند که ازدواج محارم با یکدیگر حرام است و در این صورت همهٔ انسان‌ها زنازاده هستند، در صورتی که از این نسل، انبیا و ائمه علیهم‌السلام «فی الاصلاب الشامخة و الارحام المطهرة» ظهور کرده‌اند و زنجیرهٔ عصمت از آدم علیه‌السلام تا اهل بیت علیهم‌السلام نظارت و کنترل

شده است: «ذریة بعضها من بعض». در واقع ازدواج با محارم از افکار زرتشتی است. (نقی پورفر، ۱۳۹۳، ص ۱۷). اینک آقای نقی پورفر ازدواج با محارم را به زرتشتیان نسبت می‌دهد، اشتباه است؛ زیرا در میان توده‌های مردم این امر به هیچ وجه رایج نبوده است، در نهایت با ملاحظاتی شاید بتوان در سطح خانواده شاهان و آن هم مواردی انگشت‌شمار را یافت که برای حفظ اصالت نژادی به چنین ازدواجی تن داده‌اند. (رک به: خورشیدیان، ۱۳۹۶؛ شهزادی، ۱۳۹۶) چنان که پیدا است اشکال یادشده بر این فرض استوار است که احکام کنونی ازدواج از همان ابتدای خلقت انسان برقرار بوده‌اند، حال آن که احکام شرعی به خدای متعال بازمی‌گردد و اوست که احکام را تشریح می‌کند. پس این قدرت در اختیار پروردگار قرار دارد که حکمی را در دوره‌ای جایز و در دوره‌ای حرام کنند. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۵۴) چنانکه آیات ﴿وَاللّٰهُ يَحْكُمُ لَمْ يُعْقَبْ لِحُكْمِهِ﴾ (رعد/ ۴۱) و ﴿اِنَّ الْحُكْمَ اِلَّا لِلّٰهِ﴾ (یوسف/ ۴۰) و آیاتی دیگر این حقیقت را تأیید می‌کنند.

اما اگر کسی بگوید احکام بر اساس مصالح و مفاسد واقعی و اخلاقی بنا شده‌اند و در ازدواج با محارم، اگرچه کسی قصد فحشا نداشته باشد، اما این عمل به جهت مفسده ذاتی اش اثر خود را خواهد گذاشت، می‌توان پاسخ داد هر عملی چون عمل ازدواج با محارم یک اثر وجودی دارد و بر این اساس که مسبب‌الاسباب خدا است و خاصیت اشیا به اذن الله است و هر وقت خدا اراده کند، اشیا را تسخیر می‌کند و به حکمت بالغه نسل باید جدّ واحد داشته باشد، در این صورت ازدواج خواهر و برادر را لازم می‌کند و خدا هم به قدرت بالغه جلوی آن را گرفته است. (نقی پورفر، ۱۳۹۳، ص ۱۷).

در تبیین این باید گفت اگرچه خاصیت اعمال، ذاتی است، اما همه خواص اعمال، ذاتی نیستند و تنها برخی از خواص و ویژگی‌های اعمال، ذاتی است. مفسده عمل ازدواج با محارم از جمله خواص غیرذاتی این عمل است و از این رو از همان ابتدای خلقت همراه این عمل نبوده است، بلکه در دوره زمانی خاص بر آن عارض شده است و در نتیجه، ازدواج با محارم، مفسده‌آور گردیده است.

ولی راه اعتدال چنین است که می‌توان مدعی شد پیش از آدم (علیه السلام)، انسان‌های فراوانی آفریده



و سپس منقرض شده‌اند و این مخالف قرآن کریم نیست، بلکه روایات نیز آن را تأیید می‌کنند. اما نسل کنونی بشر همگی به آدم علیه السلام و حوا علیها السلام می‌رسند. برخی مفسران که مدعی هستند نسل بشر از پدران و مادران متعدد است نه از پدر و مادر واحد، شواهدی تجربی مطرح کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۱۲).

۱-۵. ازدواج انسان با انسان‌های پیشین

در برخی از روایات، گزارش شده است که تکثیر نسل انسان از طریق ازدواج فرزندان آدم علیه السلام با بقایایی از نسل قبلی بوده است. برخی از این روایات عبارتند از:

«عن ابی جعفر علیه السلام قال: .. والله لقد خلق الله الف الف عالم و الف الف آدم انت فی آخر تلك العوالم و اولئك الادمیین.» (صدوق، ۱۴۱۶ «الف»، ص ۲۷۷؛ صدوق، ۱۴۱۶، ص ۳۵۹) چنان که که پیداست این روایات، درباره موضوع یاد شده صراحت ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)؛ زیرا به انسان‌های پیشین اشاره نمی‌کنند، اما عده‌ای که ازدواج فرزندان آدم علیه السلام با یکدیگر یا با جن و حور را نپذیرفته‌اند، از این روایات کمک گرفته‌اند و ازدواج آنها با بقایایی از نسل پیشین را مطرح کرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

این دیدگاه با ظاهر آیه سازگار نیست و در برخی از نقل‌های این روایت چنین گزارش شده است که «ثم خلق الله آدم ابا البشر و خلق ذریته منه» که این تتمه روایت، دیدگاه سوم را تأیید می‌کند و تکثیر نسل انسان را از طریق ازدواج فرزندان حضرت آدم علیه السلام با یکدیگر تأکید می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

۱-۶. ازدواج فرزندان حضرت آدم علیه السلام و حضرت حوا با دختر و پسری که خدا آنها

را از خاک آفرید تا همسران فرزندان آدم علیه السلام باشند

این دیدگاه تنها در حد طرح و پیشنهاد است و مدافعان و دلایل آن چندان روشن و مشخص نیست؛ از این رو نمی‌توان از آن با قواعد و ضوابط علمی دفاع کرد. بنابراین برخی از مفسران معاصر این دیدگاه را چنین ارزیابی کرده‌اند که هرچند این وجه ثبوتاً ممکن است، ولی به دلیل اثباتی نیاز دارد که موجود نیست. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۱۹۱)

نتیجه‌گیری

با توجه به آن چه گذشت؛ می‌توان گزاره‌های علمی ذیل را نتیجه گرفت:

۱. در مورد چگونگی تکثیر نسل انسان، شش دیدگاه مطرح است. برخی از این دیدگاه‌ها تنها در حد گمانه و حدس است و مدافعان و دلایل آنها چندان روشن و مشخص نیست. قوی‌ترین دیدگاه در بین دیدگاه‌های رایج، دیدگاه ازدواج فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) و حوا با یکدیگر است که بیشترین دلایل و مدارک علمی را دارد و توانسته است همه شبهات و اشکالات ناظر به خود را پاسخ دهد.

۲. قوی‌ترین دلیل بر صحت و اعتبار دیدگاه ازدواج فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) و حوا (علیها السلام) با یکدیگر، دلایل قرآنی است که در آیه موردنظر ظهور و صراحت دارد.

منابع و مأخذ

* القرآن الكريم.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (بی تا). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دارصادر.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم (چاپ دوم). قم: مركز نشر اسرا.
۳. خورشیدیان اردشیر (۱۳۹۶). پاسخ به پرسش های دینی زرتشتیان. تهران: انتشارات برس.
۴. رشیدرضا، محمد (۱۴۲۶ق). تفسیر المنار (الطبعة الثانية). بیروت: دار الکتب العلمیه.
۵. شهزادی مهرانگیز (۱۳۹۶). پاسخ گویی به اتهامات، تهران، انتشارات فروهر.
۶. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۱۶ق). التوحید (تحقیق السید هاشم الحسینی التهرانی، الطبعة السادسة). قم: جماعه المدرسين فی الحوزة المقدسة.
۷. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۱۶ق). علل الشرايع (الطبعة الاولى). قم: دار الحجة للثقافة.
۸. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۱۶ق). کتاب الخصال (تحقیق علی اکبر الغفاری، الطبعة الخامسة). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۹. الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۴ق). من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر الغفاری، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۱). ترجمه تفسیر مجمع البیان (تحقیق محمد مفتاح، چاپ اول). تهران: فراهانی.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا). کتاب العین (تحقیق مهدی المخدومی و ابراهیم السامرائی). قم: دارالهجره.
۱۳. فیض الکاشانی، محمد محسن (بی تا). تفسیر الصافی (الطبعة الاولى). مشهد: دارالمرتضی.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (الطبعة الثالثة). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۵. مجلسی، محمدتقی (۱۳۹۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه (تحقیق



الموسوی - الاشتهاردی). قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.

۱۶. مشهدی، میرزا محمد (۱۴۱۰ق). تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب (الطبعة الاولى). قم:

مؤسسة النشر الاسلامی.

۱۷. مصطفوی، حسن (بی‌تا). التحقيق في كلمات القرآن. بی‌جا. مرکز نشر آثار العلامه

المصطفوی.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه (چاپ سی و دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. نقی پورفر، ولی الله (۱۳۹۳). جزوه تفسیر قرآن (مشکل الآیات). دوره دکتری علوم قرآن و

حدیث دانشکده اصول دین قم.

20. Schwartz Howard (2006). *tree of souls, the mythology of Judaism*, oxford university press.

21. <https://www.islamquest.net>.

22. <https://www.porseman.com>.

23. <https://hawzah.net>.

24. www.sheshkhan.ir.

25. Charles Ryrie (1986) , *Basic Theology: A Popular Systematic Guide to Understanding Biblical Truth*, (Chicago: Moody Press.

26. Daniel Gordon ang, Jon garvey, David kwon and s.joshua Swamidass (2021). is evolutionary science in conflict with Adam and Eve? Peaceful science.